

## تأثیر و نقش آب در حادثه کربلا

شمیم شهلا<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۳

کد مقاله: ۳۹۵۵۱

### چکیده

آب به‌عنوان نماد زایش و زاینده‌گی و نماد تطهیر، جایگاه والایی را در ذهن انسان از گذشته‌های دور به خود اختصاص داده است و به لحاظ حیاتی بودنش مقدس شمرده می‌شود. به‌گونه‌ای که از یکسو نماد حیات و از دیگر سو نماد پالایش است. انسان زمانی پدیده‌ای را مقدس می‌شمارد که در زندگی او نقش و حضوری کارآمد داشته باشد و به همین دلیل است که باورها و اعتقادات بر پایه جهان‌بینی و نیازهای زیستی مردمان پدید می‌آید و در هر فرهنگ، در هر سرزمینی این باورها وسیله‌ای می‌شوند برای پاک کردن و سالم نگه‌داشتن فضای زندگی. آب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی مؤثر در زندگی انسان، روزگاران دراز از این رهگذر نگهداری شده، پاک مانده و تقدس پیدا کرده است. واژه‌ی آب که در فرهنگ عمید به معنای رونق، درخشندگی و آبرو آمده است، اولین آفریده از آفریدگان هفت‌گانه است که اورمزد خلق کرده و آفرینش آن پس از آسمان در مدت پنجاه روز انجام‌گرفته است. علاوه نقش آب در زندگی روزمره، این عنصر در بروز حادثه‌ی کربلا و واقعه‌ی عاشورا نقش مهمی را ایفا کرده است. در آثار هنری اعم از فیلم، تئاتر، داستان، نقاشی، موسیقی و... از اهمیت حضور آب در کربلا یاد شده است. تعزیه به‌عنوان یک نمایش دینی که در یک دوره‌ی زمانی مشخص در اکثر نقاط ایران اجرا می‌شود، اثری هنری است که هر ساله حادثه‌ی کربلا و نقش آب در این واقعه در قالب یک نمایش مذهبی تکرار و یادآوری می‌شود. در دوره‌های زندیه، صفویه و قاجار سفرنامه نویسان غربی با حضور در ایران و با دیدن اجرای تعزیه به نقش آب در این واقعه، اشاره کرده‌اند. همان‌طور که جامعه‌شناسان نقش آب در کربلا را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش بر نقش و اهمیت عنصر آب در حادثه کربلا استوار است و به دنبال بیان نظرات و دیدگاه‌های متفاوت راجع به این عنصر در واقعه عاشورا است.

واژگان کلیدی: آب، محرم، عاشورا، سقایی، تعزیه، کربلا

حادثه کربلا در گفتار، رفتار، معماری، اشعار، موسیقی، نمایش و به طور کلی آداب و رسوم و فرهنگ مردم در طی سالیان متمادی به خوبی متجلی و نمایان است. نمود بارز این حادثه را می توانیم به خوبی از طریق برگزاری هرساله مراسم عزیزه مشاهده کنیم و می بینیم که یکی از حوادث مهم کربلا که بر روی عقاید مردم تاثیر گذاشته است، همان بستن آب بر روی خاندان امام حسین است. مسئله آب و نماد آن در روز عاشورا که منجر به چنین حادثه‌ی تلخی می‌شود در دوران های مختلف اسلامی، ایرانی و از طرق مختلف در آثار هنرمندان و آداب و سنن مردم خود را نشان می دهد. احمد شاملو می نویسد که مردم ما معتقدند که تمام آب های جهان، شوری و شیرینی خود را بخاطر حب و علاقه به سید الشهداء دارند چرا که دوستی حسین را بر همه آب های عالم عرضه کردند. هر آب که قبول کرد شیرین شد و هر آب که قبول نکرد شور شد. حتی دریاها به صدای شیون و ندبه مادر سید الشهداء خروشان و موج می شوند. چنانکه که اگر فرشتگان و ملائکه از طغیان آن جلوگیری نمایند عالم غرق خواهد شد. (شاملو ۱۳۵۹، ۷۱۲). مردم ایران در فرهنگ خودشان اگر کسی به شخصی آب دهد یا نذری داشته باشد برای تشکر پاداش کارشان را از امام حسین و حضرت عباس می خواهند. (محراب بیگی ۱۳۸۲، ۵۷-۵۸). بنا به معتقدات شیعیان آب بهترین چیزی است که می توان به رایگان به کسی داد زیرا این کار تشنگی امام حسین (ع) و یارانش را در میدان کربلا به یاد می آورد. (ماسه ۱۳۵۵، ۳-۴).

## ۲- تاثیر نبود آب در حماسه عاشورا

بسته شدن آب به روی سپاه امام حسین و خاندان آن حضرت و عطش ایشان در صحرای کربلا از واقعیت های پذیرفته شده حماسه عاشورا است. واقعه ای که شواهد تاریخی بیان کننده آن است. کمبود یا نبود آب، سنگینی نبرد، افروخته شدن آتش در پشت خیمه ها برای محافظت از حمله ناگهانی سپاه یزید، داغی صحرا، شدت عطش و مظلومیت همراهان امام، عظمت فاجعه دردناک عطش و تشنگی را دو چندان کرد. به طوری که امام حسین (ع) در سختترین شرایط علمدار سپاهش را مامور پیدا کردن آب می کند در حالی که می داند در نبود این مامور پرچم سپاه بر زمین می افتد. (پارسا پور ۱۳۹۰، ۴). عدم دسترسی امام حسین و سپاهیان به آب را به هفتم محرم نسبت داده اند، این مربوط به زمانی است که عبید الله بن زیاد دستور داد به عمر سعد که میان امام حسین و آب فاصله ایجاد کند. ولی این فاصله به این معنی نیست که امام حسین تا روز عاشورا به آب دست پیدا نکرد بلکه روایت ها نشان می دهند که امام حسین بعد از تحمل تشنگی زیاد در پشت خیمه ها چاهی را حفر کردند، به آب رسیدند و بعد از رفع تشنگی چاه را محو کردند. روز یا شب نهم نیز با بالا گرفتن آتش عطش امام از برادرشان عباس خواستند با تعدادی سوار به سوی فرات حمله کنند و آب بیاورند. اینجا هم سپاهیان امام بعد از درگیری توانستند به آب دست یابند. (جعفریان ۱۳۸۳، ۴۹۵). طبق روایت دیگری در سحر عاشورا نیز یاران امام به آب دسترسی داشتند. پیش از سحر امام دستور دادند برای پیشگیری از حمله ناگهانی دشمن دور سپاهیان خندق حفر کنند. سپس فرمودند: قوموا فاشربوا من الما یکن آخر زادکم و توضاوا و اغتسلوا ثیابکم لتکون اکفانکم. (مجلسی ۱۳۸۵، ۳۱۷). از عبارت آخر زادکم دو مفهوم استنباط می‌شود، یکی اینکه این مقدار آب آخرین اندوخته آنهاست و دوم اینکه پایان حیات آنها نزدیک است یعنی این آخرین باری است که سپاهیان آب می نوشند و آخرین توشه خود را از این دنیا برمی گیرند. برداشت دوم منطقی تر به نظر می رسد زیرا اگر تنها ذخیره اهل سپاه و اهل خیمه ها همان باشد عاقلانه آن است که فقط برای شرب استفاده شود. به هر حال این روایت وجود آب را در صبح عاشورا تایید می کند. با شروع جنگ و مجال نیافتن سپاهیان برای حفر چاه یا دسترسی به فرات ذخیره آب رو به اتمام گذاشت. به گونه‌ای که در اواسط جنگ تشنگی علی اکبر را پیش از حد ناتوان کرده به همین دلیل از پدر آب طلب می کند امام با اندوه و دروغ به وی می فرماید که زود باشد که جد خود را ملاقات کنی و از دست او شربت بنوشی که پس از آن هرگز تشنه نخواهی شد. (موسوی مقدم ۱۳۸۶، ۲۳۰).

## ۳- اهمیت آب در کربلا

در واقعه کربلا آب و تشنگی از برجستگی ویژه ای برخوردار است. چنان که تا حدی دیگر وقایع تحت تاثیر آن قرار گرفته اند و بخش قابل توجهی از گفتگوی بین دو سپاه بر سر آب بوده است به طوری که مظلومیت امام حسین و سنگدلی دشمن از همین امر معلوم می گردد. اهمیت آب در کربلا چنان بود که حتی نزاع بر سر آن چند روزی قبل از عاشورا آغاز شد و تا پایان جنگ در روز عاشورا ادامه داشت.

آنچه موجب شگفتی است، این است که بشر در طی قرن ها آب را که گوهر گران بهای الهی، مایه حیات و پیام آور شادی و نشاط و صلح و صفا است، همواره در جهت نابودی انسان ها و ویرانی ها بکار گرفته است و از این طریق هزاران موجود زنده را از بی آبی به مرگ کشانده است و هزاران شهر و روستا را از بین برده است. بنابراین شکی نیست که دشمنان اسلام و مسلمین نیز همچون دیگر دشمنان بشریت از آن به عنوان حربه نظامی استفاده کرده اند. (فروغی آبری ۱۳۸۲، ۴). در این میان امام حسین

همانند حضرت محمد و امام علی (ع) نه تنها از آب به‌عنوان حربه نظامی استفاده نکرد بلکه از آن در جهت ارائه چهره واقعی اسلام و پیوند بین مسلمین بهره گرفت. او هنگامی که در منزل اشراف با سپاهیان کوفه به فرماندهی حربین یزید روبرو شد و متوجه تشنگی آنها شد، دستور داد که هم آنان را از خوردن آب سیراب کنند و هم به احشام آنان آب دهند ولی دشمنان امام حسین (ع) دقیقاً رویه‌بر عکس را پیش گرفتند و از تشنگی امام و یارانش بهره بردند و به‌عنوان یک عمل نظامی استفاده کردند.

اهداف دشمن را از بستن آب به روی امام حسین (ع) در موارد زیر می‌شود اعلام کرد: ۱. آنها از آب به‌عنوان حربه مؤثر نظامی استفاده می‌کردند، بدان معنا که با شدت تشنگی که بر امام حسین و یارانش تحمیل کردند می‌خواستند توان نظامی آنها را پایین آورده و در جبهه نظامی به شکست بکشانند. ۲. با توجه به حضور زنان و فرزندان در اردوی امام حسین که در برابر سختی و کمبودها زودتر تحت تاثیر قرار می‌گرفتند دشمن می‌خواست از این طریق با برپا کردن جنگ روانی امام و یارانش را به تسلیم وادار نماید. ۳. بنی امیه که به‌عنوان خون خواهان عثمان به پیروزی غیر قابل‌تصور دست یافته بودند، کوشیدند آن واقعه فتنه انگیز را دوباره احیا کنند و از طریق برانگیختن احساس‌ها بار دیگر از آن استفاده لازم را ببرند. از این رو دوباره از محاصره خانه عثمان و نرسیدن آب به آن سخن به میان آوردند، گویا امام حسین (ع) و یارانش مسبب آن بوده‌اند. بنابراین تشنگی عثمان را بهانه‌برای جلوگیری از استفاده امام حسین و یارانش از آب کردند. (فروغی آبری ۱۳۸۲، ۴).

امام حسین سه روز پایانی محرم یعنی از هفتم تا دهم به طرق گوناگون در تلاش کسب آب مورد نیاز اردوی خویش بود. امام (ع) در جلوی خیمه چاهی را حفر کرد که آب گوارایی داشت. آنچه مسلم است، امام حسین و یارانش به سبب اشتغال به جنگ و فعالیت بسیار در روز عاشورا از یک سو به آب زیادی نیاز داشتند و از سوی دیگر نمی‌توانستند آب مورد نیاز را تامین کنند. از این رو بود که از نظر آب در تنگنای شدید قرار گرفتند و به احتمال زیاد ذخیره آب خود را برای فرزندان و زنان حفظ می‌کردند. (فروغی آبری، همان).

#### ۴- آب در ادبیات عرفانی

آب یکی از ۴ آخشیج پیشینیان است و بعد از آتش گرمی‌ترین عنصر نزد ایرانیان باستان به شمار می‌رفته است. ارزشمندی این عنصر نبردهایی را بر سر تصاحب آن هم در تاریخ و هم در اسطوره موجب شده است. در این نبردها نیروهای اهریمنی بیشتر در صددند آب را تصاحب کرده از دیگران محروم کنند. در اساطیر ایرانی آب و اهریمن دشمنان دیرینه‌ای هستند که در آغاز آفرینش نبردهایی میان ایشان درگرفته است. (قلی زاده ۱۳۷۸، ۲۳). در ادبیات آب گرمی دانسته می‌شود و بیشتر نماد علم حیات و پاکی و روشنی است. آب در متون عرفانی گاهی به شکل نماد بکار می‌رود و گاهی همین نمادها معنای عمیق‌تری پیدا می‌کنند. مثلاً طهارت به مفهوم طهارت درونی و آب حیوان و اصطلاحات عطش و طلب آب نیز در متن معنای خاص می‌یابند. این عربی در مورد اصطلاح عرفانی ساقی می‌گوید که ساقی عبارت است از فیض راهنمایان و پیش‌کسوتان راه معرفت و حقیقت که با کشف رازها و بیان حقایق قلوب عارفان راه‌آباد می‌کنند.

روز عاشورا آتش عطش دامن‌گیر سپاهیان و خیمه‌نشینان می‌شود اما نبودن آب و فاجعه عطش در سه شخصیت بیشتر نمایان است: ۱. شخصیت دوم سپاه یعنی ابوالفضل عباس که بعد از حمله به فرات در شب یا روز نهم محرم لقب سقا به ایشان داده شد. ۲. شخصیت علی اکبر که بعد از غلبه عطش میدان را ترک کرد و از پدر آب طلب کردند. ۳. علی اصغر طفل که بنا بر نقل مشهور امام برای او آب طلب کردند و سرانجام تشنه به شهادت رسید. (پارسا پور ۱۳۹۰، ۴).

#### ۵- سقایی و آب رسانی

از بخش‌های مهم مربوط به آب در حادثه‌ی کربلا و رسمی که از آن زمان پابرجا مانده و هر ساله در اجرای تعزیه دیده می‌شود، مربوط به سقایی و آیین تشمت‌گذاری است. آیین سقایی که از منصب حضرت ابوالفضل عباس وام گرفته شده است در نمایش آیینی، سنتی تعزیه جایگاه بخصوصی دارد. سقایی و آب رسانی اگر به ویژه جنبه‌خیر خواهانه داشته باشد بسیار مورد عنایت و توجه ایرانیان است. یکی از مهم‌ترین نذرها و خیرات مردم سقایی است، خصوصاً در ایام عاشورا که مردم بنا به نذری که دارند اقدام به آب دادن به عزاداران حسینی می‌نمایند. بعضی‌ها منابع آبی در جلوی خانه و محل‌گذر می‌گذرانند. عده‌ای به دسته‌های سینه‌زنی و تکایا رفته، ظرف آب یا مشک‌کی که نمادی از مشک حضرت عباس در روز تاسوعا است، به دست می‌گیرند و در بین مردم می‌گردند و به آنها آب می‌دهند. سقایی و آب رسانی ایرانیان توسط سیاحان و جهانگردان مورد توجه قرار گرفته است. چنان که هانری ماسه در کتاب معتقدات و آب ایرانی در رابطه با مراسم عزاداری امام حسین نوشته است که مردی روی سرش مشک‌کی پر از آب حمل می‌کرد و دور و برش کودکانی بودند که لباس اعراب بادیه‌نشین به تن داشتند و قمقمه‌هایی داشتند که به وسیله آنها تشنگان را سیراب می‌کردند. (محراب بیگی ۱۳۸۲، ۵۷-۵۸). باور دیگر مردم ایران این است که اگر کسی به آنها ناخواسته آب داد

آن را به فال نیک می گیرند چرا که معتقدند آب نطلبیده مراد است. (همان). احمد شاملو در کتاب کوچه می نویسد حتی اگر تشنه هم نباشند از آن آب می نوشند و یزید را بخاطر بستن آب به روی حضرت سید الشهداء لعنت می کنند و از صدق دل می گویند خدا مراد همه مسلمانان را برآورده سازد.

می گویند زمانی که حضرت عباس لشگر یزید را شکست داد و به فرات رسید، از اسبش پیاده شد تا به حیوان آب دهد اما اسب آب نمیخورد که یعنی تا سقا آب نخورد من نمیخورم. (شکور زاده ۱۳۶۳، ۵۰).

احمد شاملو در کتاب کوچه به نقل از علی بلوک باشی می نویسد آب تربت آبی است که از شط فرات برداشته شده و با اندکی از خاک متبرک اطراف حرم امام حسین آمیخته شده است این آب را برای تبرک و دوری از هر گونه گزند و بلا می آشامند. اعتقاد به آب تربت در واقع ریشه در همان اعتقاد به معجزه و کرامات ائمه اظهار دارد. آنان که با استقبال به خداوند قادر به شفا بخشی هستند و حتی خاک مرقد آنان به لطف اینکه در برگرفته جسم مطهرشان و آغشته به خون پاکشان می باشد قدرت شفا دهی دارد. هنری ماسه هم می گوید بعضی افراد از آب تربت توسط انگشت دست، دو خط متقاطع بر روی شکم زنی که درد زایمان دارد می کشند زیرا معتقدند که آب تربت درد زایمان را کم می کند.

از عوامل مؤثر در پیدایش سقاخانه ها می توان به محیط طبیعی، فرهنگ حاکم بر جامعه و جهان بینی ساکنان آن در مورد سقاخانه ها اشاره کرد. محیط طبیعی از این لحاظ که از نظر موقعیت جغرافیا جز معدود شهرهای بزرگ دنیا و شاید کلان شهر جهان است که در منطقه خشک قرار گرفته است. هوای تهران در تابستان گرم و خشک حداکثر دمای ثبت شده آن ۴۲/۵ درجه است. بنابراین کمبود آب، گسترش شهر نشینی و گرمای شدید تابستان دلایلی بود که مردم خیر را وا می داشت تا در محله ها، آب انبار یا سقاخانه ای برای مصرف عمومی به ویژه برای فقر را احداث کنند. عامل دیگر حادثه ای کربلا است که با رواج تشیع و عمومیت یافتن عزاداری و روضه خوانی و نقل مداوم وقایع تاریخی صحرای کربلا و تاکید خاصی که بر موضوع ممانعت از رسیدن آب به خاندان امامت می شود، همچنین ماجرای شهادت ابوالفضل عباس که جان خود را در راه رساندن آب به تشنگان به دست می دهد سبب شد که بار دیگر نزد شیعیان ایران جنبه مذهبی پیدا کند. علاقه و ارادت ایرانیان به خاندان نبوت و حماسه کربلا موجب شد که بر هر تشنه ای آب رایگان بدهند و در مساجد، معابد بازارها و گذرها به ویژه هنگام تابستان ظروف و قدح های آب سرد قرار دهند تا مردم رهگذری که تشنه اند از آن آب بنوشند و خاطره شهادت امام حسین (ع) و اصحاب او را زنده و جاویدان نگاه دارند. عامل دیگر اعتقادات دیرینه مردم است که در ایران پیش از اسلام و در آیین زرتشتیان آب از تقدس و حرمت ویژه ای برخوردار بود. (ابراهیمی ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ۷-۸).

سقاخانه ها دکان یا نیم بایی بود که آبگهی در آن به وجود می آوردند و جام و پیاله ای در آن می نهادند و آب آن را در دسترس تشنگان می گذاشتند و در زمره کارهای ثواب به شمار می آمد. (شهری ۱۳۵۷، ۷۸). سقاخانه به شکل های گوناگونی ساخته می شد و گاهی نیز بر بالای بعضی از آنها قبه ای از ورقه های برنجی زده می شد آب را در درون آن ذخیره می کردند و افراد تشنه می نوشیدند و در نظر عامه مردم سقاخانه ها متبرک بودند. (زاوش ۱۳۷۰، ۱۸۱). ناصر نجمی سقاخانه های تهران قدیم را این گونه توصیف می کند که در تهران قدیم سقاخانه ها را بیشتر بخاطر کارهای ثواب می ساختند و بنای آن چنین بود که در یک دکان نیم بایی ظروف بزرگ و سنگی و یا دوستکامی بزرگی قرار می دادند و در اطراف آن جام ها و پیاله هایی که معمولاً بسته به زنجیر بود می گذاشتند و این اقدام بیشتر در ایام عزاداری و یا روضه خوانی سید الشهداء و یاد شهیدان دشت کربلا به وجود آمد و شب ها هم بخاطر تاریکی کنار این محفظه ها شمع هایی روشن میکردند که تشنه لبان ببینند و بعد این کار مقدمه ای شد برای کسانی که نذر و نیازی داشتند و هر شب جمعه شمع هایی را در سقاخانه های تهران قدیم نصب و روشن می ساختند. در بعضی سقاخانه هایی که کار و اوضاعشان مفصل تر بود تعداد شمایل مقدسین مثل حضرت عباس، حضرت علی اکبر را به دیوار می آویختند و معمولاً هر سقاخانه بر خود متولی و کارگردان داشت، بعضی سقاخانه ها را مردم خیر اندیش و به منظور کمک به تشنه لبان خاصه در فصل تابستان که قطعات یخ هم در آن می افکندند بنا می کردند. (نجمی ۱۳۶۲، ۳۸۹-۳۹۰).

## ۶- آیین تشت گذاری

آیین تشت گذاری یکی از قدیمی ترین سنت ها و مناسک ایرانی است که جمع کثیری از مردم ترک زبان ایران با این آیین عزاداری های محرم را شروع می کنند. مراسم تشت گذاری مراسمی سنتی است که در عزاداری ایام عاشورا و عمدتاً در شهرستان اردبیل برگزار می شود و تشت های آب را که نشانی از فرات می باشد در مساجد و حسینیه ها می آورند و این سنت به پیروی از اقدام امام حسین و یاد آورد رفتار جوانمردانه او در مقابل سپاه حر می باشد که به روایتی آن حضرت در روز ۲۷ ذی حجه، آب مشک ها را در تشت ها ریخته و تمام لشکر حر و اسبان آنها را سیراب کردند. (محدثی ۱۳۸۱، ۱۴۷). در ارتباط با علل برگزاری مراسم تشت گذاری نظرات و احتمالات مختلفی وجود دارد، اکثراً اعتقاد بر این است که با انجام این مراسم، اهمیت آب و جایگاه آن در حادثه کربلا مورد توجه قرار می گیرد. بر اساس روایت های تاریخی، در مسیر کاروان از کربلا به نینوا و در هنگام روبرو شدن با

سپاه حر، آنها دستور می دهند که آب را بروی امام حسین و یارانش ببندند اما امام حسین همان مقدار آبی را که به همراه داشتند را هم برای خود و هم برای سپاه حر و احشام هر دو سپاه در نظر گرفتند درباره فلسفه مراسم تشت گذاری چنین می گویند روزی که حر بن ربیعی با دو هزار نفر از سپاهیان خویش راه را بر امام حسین (ع) بست و به امام گفت که باید با یزید بیعت کند و امام اذعان کرد، امام حسین وقتی خستگی و تشنگی را در چهره سپاهیان حر مشاهده کرد دستور دادند که آنها را سیراب کنند، حتی دستور دادند که چهار پایان سپاه حر نیز آب دهند. چون این اتفاق در ۲۷ ذی حجه روی داد، مردم اردبیل در این روز مراسم تشت گذاری را انجام می دهند. مراسم تشت گذاری به این صورت است که یکی از دو نفر از عزاداران حسینی کوزه ای بر دوش می گیرند و دور مسجد را می گردند و بقیه نیز از پشت سر آنان حرکت می کنند و نوحه و رجز می خوانند، این رجزها بیشتر در بیان سوگواری های سقای کربلا و سپهسالار راه حق حضرت عباس است. هدف تشت گذاری این است که جوانمردی ها و فداکاری های حضرت ابوالفضل (ع) را نشان دهد که همواره خود را به آب و آتش می زد تا جرعه ای از آب را به کودکان تشنه خیمه بدهد. تشت هایی که در این مراسم مورد استفاده قرار می گیرند گرد و از جنس برنز یا مس است، بعد از عزاداری ریش سفیدان در هر مرحله تشت ها را بر دوش حمل کرده و وارد مسجد می شوند، حاضران در مسجد به احترام به پا خواسته و در جلو آنها دسته سینه زنی، سینه می زنند. پس از آن ریش سفیدان با دور زدن مسجد تشت ها را در جای مخصوص خود قرار می دهند آنگاه تشت ها را از آبی که در کوزه ها بر دوششان حمل کرده اند، پر می کنند.

## ۷- نگاه جامعه شناسان و سفرنامه نویسان به نقش آب در حادثه کربلا

جامعه شناسان کلاسیک بیش از هر چیز به مساله آب اشاره و تاکید داشته اند و نحوه شکل گیری ساختار این جامعه را از نظر فرهنگی و سیاسی به چگونگی تقسیم آب معطوف کرده اند. مساله آب و تشنگی از منظر ساختار شناسی درام دلیل عینی و اصل دعوی طرفین درگیر در نمایش تعزیه است. در حقیقت نمایش تعزیه در جایگاه درام، جنگ و نبردی است بر سر آب. چندان که اغلب اصلی ترین فردهای نمایش تعزیه همچون عباس برادر امام حسین و سردار سپاه او، حر از سرداران جبهه مقابل که با سپاه امام حسین می پیوندند و خود حسین بخاطر دستیابی به آب کشته می شوند. به ویژه آخرین نبرد حسین در مقابل چهره و فرد محوری نمایش تعزیه از طریق درخواست آب برای کودک اش علی اصغر آغاز می شود، چرا که سپاه دشمن در پاسخ به درخواست او گلولی تشنه کودک اش را با تیر نشانه می روند و می کشند. همچنان که خود او را سرانجام در اوج تشنگی به قتل می رسانند. در نمایش تعزیه بیش از هر چیز بدترین شکنجه و شقاوت همانا ممانعت از دسترسی به آب است و از این رو بیش ترین لحظات دراماتیک این نمایش به بستن آب و به تشنگی امام و یاران و خانواده اش معطوف شده است. به زبان دیگر آنچه این نمایش را از چشم انداز دراماتیک امکان پذیر می سازد و کل حوادث را تحت تاثیر قرار می دهد، همان بستن آب به روی حسین و یاران اوست که به دستور ابن سعد یعنی فرمانده جناح مخالف انجام می شود. به هر حال بدون مسئله آب، عمل نمایشی تعزیه ضرورت وجودی خود را از دست می دهد. (صباحی ۱۳۹۵، ۱۷۷-۱۷۸).

در اکثر سفرنامه ها به نشانه ها و سمبل هایی از فرات و آب در اجرای تعزیه اشاره شده است. اینکه با گذاشتن یک تشت آب به فرات اشاره می کنند یا اینکه بازیگران هنگام اجرای تعزیه با دیدن تشنگی شبیه امام حسین دوام نیاورده اند و... لابه آتری دوژنره در مورد تعزیه شهادت علی اکبر می نویسند که این نمایش با این صحنه شروع می شود که عمر سعد و شمر از میان همراهان امام حسین مبارز می طلبند و از امام می خواهند تا پهلوانی را راهی میدان جنگ تن به تن نماید. خانواده امام حسین در این گیر و دار ناعادلانه قرار می گیرند. قبل از آن گریه و زاری هایی را میشنویم که ناشی از تشنگی خانواده برگوار امام است. شمر که همراه خود آب آورده است به شرطی حاضر می شود به آنها آب بدهد که آنان دست از مبارزه بردارند و تسلیم شوند. از محسنات آب حرف می زند تا آنان را تحریک کند اما هنگامی که متوجه می شود با این ترغیب نمی تواند آنها را راضی کند و با این کار تنها وقت خود را تلف می کند آب را مقابل پاهای خود بر زمین می ریزد. در این هنگام علی اکبر پسر ارشد امام حسین جلو می آید و اجازه می خواهد تا به قلب دشمن زده، برود و آب بیاورد تا لب تشنگان را از این وضعیت نجات دهد و همراهان امام را سیراب کند، با اینکه خود او و همگان نیز می دانند که از این جنگ زنده نخواهد گشت ولی علی اکبر می خواهد جان خود را در راه نجات پدر بزرگوارش فدا کند. اندیشه نجات از ویژگی های خاص تعزیه است که در اغلب تعزیه ها بکار گرفته می شود. (دوژنره ۱۳۸۸، ۵۱).

در کتاب نمایش و رقص در ایران حادثه ای جالب توجه نقل شده است که در بند قفقاز (تا نیمی از دوران فرمانروایی فتحعلی شاه قاجار ۱۲۴۳ هجری قمری قفقاز جزو خاک ایران بود و مردم آن در عین نزدیکی بسیار با سرزمین روسیه دین اسلام و مذهب شیعه داشتند)، هیچ کس نمی خواست در نقش شمر ظاهر شود تعزیه گردانان پس از جستجوی بسیار سرانجام کارگری روسی را یافتند که چند کلمه فارسی می دانست و حاضر شد با گرفتن دستمزد در نقش قاتل امام حسین بازی کند. تعزیه گردانان با ملاحظه وضع کارگر روسی نقش شمر را تا آنجا که مقدور بود خلاصه کردند و به درجه اقل رسانیدند. در حقیقت وی می بایست فقط لباس شمر را بپوشد و در کنار تشک چوبی پر از آبی که نشانه رود فرات بود بایستد و نگذارد هیچ کس بدان نزدیک شود. وقتی زمان

اجرای نقش فرا رسید کارگر لباس شمر را پوشید و تازیانه را به دست گرفت و کنار تشک ایستاد. کودکان و یاران امام یکی پس از دیگری کوشیدند تا به آب نزدیک شوند و کارگر با مواظبت تمام همه آنها را دور کرد. بدبختانه مجری نقش امام حسین پیرمردی ریش سفید بود. وقتی وی به آب نزدیک شد تعزیه گردان با شگفتی تمام دید کارگر به هیچ روی مانع او از دست یافتن به آب نشد بلکه بر عکس او را فرا می خواند تا بی ترس و بیم خود را سیراب کند. تعزیه گردان بر سر کارگر روسی فریاد کشید که نگذارد پیرمرد به آب نزدیک شود. اما کارگر روسی با تحقیر پاسخ داد که بگذار بنوشد، آخر این پیرمرد است. این حادثه نه مایه تعجب و جا خوردن تماشاگران شد و نه ایشان را به خنده واداشت. به عکس باعث تشدید گریه و بیشتر ریخته شدن اشک های مردم شد. (محبوب ۱۳۵۵، ۵).

کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی که به قلم جیمز موریه است که در طی تعریف کردن داستانی از سقایی و تشنه لبان کربلا می گوید. این کتاب در مورد جوانی به اسم حاجی بابا است که در مغازه دلاکی پدرش توی اصفهان کار می کند. یکی از مشتری های مغازه که تاجر پوست است آنقدر از سفرهایش با آب و تاب تعریف می کند که حاجی بابا تصمیم می گیرد سفری با این مرد برود. این سفر او را در مسیری دیگری قرار می دهد و ماجراهای زیادی برایش پیش می آید. حاجی بابا داستان زندگی اش را برای یک دیپلمات انگلیسی روایت می کند که در بخشی از کتاب در مورد تشنه لبان کربلا و سقایی ماجرای تعریف می کند که قاطر چی از راه نصیحت به او گفت به یاد تشنه لبان کربلا سقا شو و آب بفروش اما بدان که باید در ظاهر عملت در راه خدا باشد در عین حال باید بدانی تا پولی به دستت نرسد آب به کسی ندهی. هر وقت کسی آب خواست تو شروع به چاپلوسی و تملق گویی کن و از خوبی های آب و نوشیدن آب برایشان بگو، از تشنه لبان کربلا، سقایی دشت کربلا بگو، او به گفته قاطر چی عمل کرد و مشکی خرید و زنگوله ای به آن انداخت و شروع کرد. در مشهد وقتی چشم سقاهاى آنجا به رقیب تازه وارد افتاد، ناراحت شدند، آب در دهانشان خشک شد و می خواستند کار شکنی کنند. اما دیدند که حریف او نمی شوند و منصرف شدند. چون دهه عاشورا رسید که ایرانیان عزادار و مصیبت زده می شوند خواست خودش را در هنر مشک گردانی نشان دهد. از این رو در روزی که تعزیه عاشورا را در میدان ارک که در حال اجرا بود در حضور شاهزاده والی خراسان خود را نشان داد. در سال قبل این اجرا سقایی عظیم الجثه بر همه معرفی شده بود. موقع فرا رسید. شاهزاده بر سر ارک بر غرغه مخصوص نشست. اکابر و اعیان در برابرش ایستاده صف کشیدند حاجی بابا قدم به میدان نهاد. تا کمر برهنه، مشکی در غایت بزرگی پر از آب بر دوش در زیر چنین بارگرانی نفس زنان آهسته آهسته خود را به زیر غرغه حکومتی رساند و با آواز بلند شروع کرد به مدح شاهزاده و خواندن مرثیه. شاهزاده را خوش آمد. برای اینکه خود را بیشتر نشان دهد، طفلی چند خواست و بر مشک خود سوار ساخت. رقیبش گاو میش فرصت یافت و خود را از جا جسته بر مشک سوار شد. از درد کمر خم به ابرو نیاورد. پس از این واقعه اسباب سقایی را فروخت و دید با تنخواهی که از آب فروشی اندوخته بود روزگارش بهتر از روزی شده است که به مشهد وارد شد. (موریه ۱۳۴۴، ۴۹-۴۶).

## نتیجه گیری

اهمیت نرسیدن آب به شهدای کربلا جایگاه ویژه ای در مراسم عزاداری شیعیان دارد و بخشی از مراسم عزاداری و حتی تعزیه خوانی حاوی این قسمت از ماجرا است. با توجه به آنچه که از نظر گذرانیده شد، نقش آب و حضور آن در واقعه کربلا از چنان ارزش و اهمیتی برخوردار بوده است که از زمان صفویه و قاجاریه نظر سیاحان، جهانگردان و نویسندگان غربی را به خود جلب کرده بود که در طی گذشت زمان از طریق همین آثار و نوشته ها توانستیم به دیدگاه و نظرات نویسندگان غربی دست یابیم. همان طور که چند موردی از آنها در متن ذکر شده بود. هنرمندان و شاعران ایرانی و نویسندگان غربی بر طبق شیوه و اسلوب خود از این موضوع (نقش آب در کربلا)، و مهم بودن آن در واقعه عاشورا یاد کرده اند و مردم عادی هم بر اساس سنت و آداب خود در تعزیه هر ساله این آیین را بر پا داشته اند و به این موضوع اشاره می کنند. از نظر نویسندگان غربی و پژوهشگران ایرانی حضور در تعزیه چه به عنوان شبیه چه به عنوان مخاطب ثواب محسوب می شود. از نظر بهرام بیضایی بازی در تعزیه نوعی طریقت محسوب می شود اما در خود تعزیه نذر سقایی و آب رسانی نیز از ثواب و اجر خیر برخوردار است. مردم از دوران قاجار تا به امروز اگر به دنبال حاجت گرفتن باشند حتما آب رسانی به عزادارن حسینی را نذر خواهند کرد. نویسندگان غربی در زمان اجرای تعزیه به عنوان یک مخاطب با این آیین سنتی همچون یک نمایش برخورد می کند و هر آنچه که رخ می دهد را بی کم و کاست می نویسد و ثبت می کند و این رویداد متفاوت از نگاه یک نویسنده ایرانی است که با اعتقادات مذهبی، باور قلبی به تعزیه می نگرد و اجزای آن را تحلیل می کند. در واقع محیط جغرافیایی و فرهنگ در تفکر افراد مواجه با یک رویداد مؤثر است. می توان به این نتیجه رسید که با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی و فرهنگی که غربی ها در آن متولد و بزرگ شده اند رویکردشان در مورد عاشورا و نبود آب در صحرای کربلا متفاوت با محیط و فرهنگی است که یک نویسنده و پژوهشگر ایرانی در آن بزرگ شده است. قطعاً نویسنده ایرانی از نگاهی مذهبی به چنین واقعه ای می اندیشد اما یک نویسنده غربی بدون تعصب مذهبی و هیچ گونه پیش داوری به چنین واقعه ای می نگرد. وقتی این آثار و نشانه ها را از راه های گوناگون در می یابیم، متوجه می شویم که با وجود گذر قرن ها از بروز

چنین رویداد سهمگینی همچنان می‌شود درباره اش صحبت کرد و نظرات مختلفی را نوشت و بررسی کرد. می‌شود با خود سالیان سال تکرار کرد که اگر در کربلا، در آن صحرای خشک و گرم آب در دسترس خاندان امام حسین (ع) بود و تشنگی و نبود آب آنان را اذیت نمی‌کرد و رنج نمی‌داد، سرنوشتشان چه می‌شد و تاریخ چه تقدیری را رقم می‌زد و به چه سمتی سوق داده می‌شدند.

## منابع

۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، «تاریخ جلفا»، جلد دوم، قم: نشر دلیل ما
۲. شاملو، احمد (۱۳۵۹)، « کتاب کوچه»، جلد سوم، تهران: نشر مازیار
۳. شکور زاده، ابراهیم (۱۳۶۳)، «عقاید و رسوم مردم خراسان»، تهران: نشر سروش
۴. جعفر (۱۳۵۷)، «گوشه ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم»، تهران: نشر امیر کبیر
۵. صباحی، محمود (۱۳۵۹)، «جامعه‌تجزیه»، لندن: اچ انداس مدیا
۶. ژوانره، دورن (۱۳۸۸)، «تجزیه از نگاه مستشرقان»، ترجمه محمود عزیزی، تهران: فرهنگستان هنر
۷. قلی زاده، خسرو (۱۳۷۸)، «فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه‌متون پهلوی»، تهران: نشر کتاب پارسه
۸. مجلسی، علامه، به اهتمام محمد باقر بهبودی (۱۳۸۵)، جلد چهل و چهارم، تهران: نشر مکتبه السلامیه
۹. ۹حدثی، جواد (۱۳۷۴)، «فرهنگ عاشورا»، قم: نشر معروف
۱۰. ملکی، حسین (۱۳۷۰)، «تهران در گذرگاه تاریخ ایران»، تهران: نشر اشاره
۱۱. مقدم، موسوی (۱۳۸۵)، «ترجمه عقیق بخشایشی»، قم: نشر نوید اسلام
۱۲. موریه، جیمز (۱۳۷۹)، «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی»، ترجمه حبیب اصفهانی، تهران: نشر مرکز
۱۳. نجمی، ناصر (۱۳۶۲)، «ایران قدیم و تهران قدیم»، تهران: نشر جان زاده
۱۴. ابراهیمی، شهناز/پاییز و زمستان ۸۶-۱۳۸۵)، «سقاخانه های تهران»، فصلنامه فرهنگ و مردم ایران، شماره ۷ و ۸
۱۵. پارسا پور، زهرا (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «نمادهای عرفانی آب و عطش در واقعه‌ی عاشورا»، فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، شماره ۲
۱۶. فروغی آبری، علی اصغر (زمستان ۱۳۸۲)، «مسئله آب در کربلا»، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۴
۱۷. محراب بیگی، محمد علی (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «کربلا، فرهنگ مردم و آب»، کتاب ماه هنر، شماره ۵۷-۵۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی